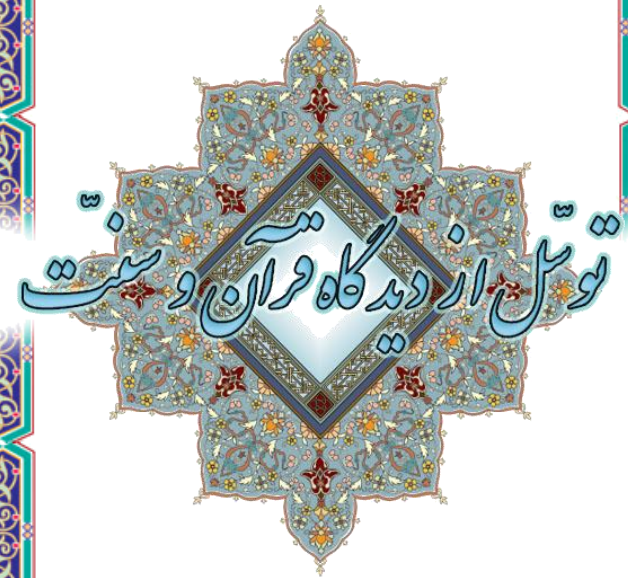


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله مباحث متفرقه ۵



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على نبينا
محمد وعلى آله وصحبه أجمعين أما بعد:

توسل چه حکمی دارد؟

ج: این سؤال مهمی است و لازم است جواب آن را
مقداری بسط بدهیم. توسل از مصدر فعل (توسل یتوسل)
می باشد یعنی وسیله ای را فراهم ساخت که او را به مقصود
رسانید بنابراین اصل توسل درخواست رسیدن به سرانجامی
است که مورد نظر بوده است.

توسل دارای دو قسم است؛ قسم اول آن صحیح است و
آن متوسل شدن به وسیله صحیحی است که انسان را به
مطلوب می رساند و آن نیز دارای انواعی است:

نوع اول: توسل به اسماء خداوند متعال و آن به دو
صورت می باشد:

– حالت اول این است که به صورت عام روی می
دهد و مثال آن آنگونه است که در حدیث ابن مسعود

– رضی الله عنه – در دعای حزن و نارحتی آمده

است: «اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ

نَاصِيَتِي بِيَدِكَ مَاضٍ فِي حُكْمِكَ عَدْلٌ فِي
قَضَاؤِكَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ سَمِّيتَ بِهِ
نَفْسَكَ أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي
كِتَابِكَ أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ أَنْ
تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيعَ قَلْبِي ...» (رواه امام احمد) (بار

الها من بنده تو و فرزند بنده و کنیز تو هستم. پیشنهاد
به دست توست و حکم تو بر من جاری شده و قضای
تو در مورد من عدل است. به واسطه همه اسمهایی که
خود را با آنها نام نهاده ای یا در کتابت نازل کرده ای
یا به یکی از مخلوقات آموخته ای و یا برای خود در

علم غیب برگزیده ای از تو می خواهم که قرآن را بهار
دلم قرار دهی...». در اینجا به صورت عام به اسمهای
خداوند توسل شده است چنانکه می فرماید: «أَسْأَلُكَ
بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ سَمِّيتَ بِهِ نَفْسَكَ» (به واسطه
همه اسمهایی که خود را با آنها نام نهاده ای از تو
مستثنت می نمایم).

– صورت دوم توسل به نام های پروردگار به صورت
خاص می باشد چنانکه انسانی به یک اسم خاص

پروردگار برای یک احتیاج مخصوص که با آن اسم
تناسب دارد متوسل می شود مثال آن همان چیزی است
که در حدیث ابوبکر صدیق – رضی الله عنه – آمده

است چنانکه از رسول الله – صلی الله علیه و سلم – می
خواهد دعایی را به وی آموزش دهد تا در نماز آن را
بخواند آنگاه می فرماید: «قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ

نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ فَاغْفِرْ
لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ
الرَّحِيمُ» (متفق علیه) (بگو: خداوند من به خود بسیار

ظلم کردم و کسی جز تو گناهان را نمی بخشد از نزد
خود بخشش و مغفرت را شامل حالم کن و به من

رحم نما که تو غفور و رحیم می باشی.) درخواست
بخشش و رحمت را به واسطه دو اسم از نامهای

پروردگار که غفور و رحیم می باشد و با درخواست
نیز مناسبت دارد از پروردگار می نماید.

این نوع توسل داخل در فرموده خداوند متعال می باشد
که می فرماید:

«وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا» (اعراف 180) «خداوند
دارای نامهای نیکوست بواسطه آنها او را بخوانید.» دعا کردن

در اینجا شامل هر دو نوع دعا اعم از دعای درخواست و دعای عبادت می باشد.

نوع دوم: توسل نمودن به صفات پروردگار می باشد و این هم مثل توسل به اسمهای پروردگار دارای دو صورت می باشد:

- صورت اول از آن بدین شکل می باشد که به عموم صفات پروردگار برای رسیدن به مطلوب متوسل می شود چنانکه نفری بگوید: خداوندا من به واسطه صفات بلند مرتبه ات از تو درخواست می نمایم.
 - صورت دوم حالت مخصوص به خود دارد چنانکه برای رسیدن به مقصود از خداوند متعال به واسطه یکی از صفاتش توسل می جویم چنانکه در حدیث آمده است: «اللَّهُمَّ يَعْلَمُكَ الْغَيْبُ وَقَدَرْتُكَ عَلَى الْخَلْقِ أَحْيَى مَا عَلِمْتُ الْحَيَاةَ خَيْرًا لِي وَتَوَفَّنِي إِذَا عَلِمْتُ الْوَفَاةَ خَيْرًا لِي» (نسائی)
- (پروردگارا به خاطر علم غیبت و قدرتت بر ایجاد و آفریدن از تو می خواهم مرا تا آن زمان که می دانی زندگی برایم بهتر است زنده بدار و مرا آن زمان که مردن برایم بهتر است بمیرانی.) در اینجا به علم و قدرت که دو صفت پروردگارند مناسب طلب نیز هستند توسل شده است. و همچنین از آن جمله، توسل به صفت فعلیه است مانند: «اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد کما صلیت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم» (خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی.)

نوع سوم از توسل مشروع این است که:

انسان به واسطه ایمان به خداوند و رسولش _صلی الله علیه و سلم_ به پروردگار متعال توسل نماید. چنانکه کسی بگوید: پروردگارا من به تو ایمان آورده و به رسول تو مؤمن هستم بنابراین از من درگذر و مرا در زندگی موفق بدار. یا می گوید: خداوندا به واسطه ایمانی که به تو و رسولت دارم از تو می خواهم و از جمله فرموده خداوند متعال است که می فرماید: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ۚ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَنَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ۚ رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ ۚ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِن أَنْصَارٍ ۚ رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ۚ» (آل عمران 190-193) «همانا در خلقت آسمانها و زمین و پدید آمدن شب و روز نشانه هایی برای صاحبان خرد وجود دارد. کسانی که خداوند را ایستاده، نشسته و در حالت درازکش یاد می کنند و در خلقت آسمانها و زمین به تفکر می پردازند و می گویند: پروردگارا اینها را به باطل نیافریدی تو پاک و منزّه هستی پس ما را از عذاب آتش محفوظ بدار. پروردگارا تو هر کس را داخل آتش گردانی یقیناً رسوایش کرده ای و برای ظالمان یآوری نیست. پروردگارا همانا ما ندای منادی که به ایمان دعوت می کرد را شنیدیم که می گفت به پروردگار خود ایمان آورید. پس ایمان آوردیم. خداوندا از گناهان ما درگذر و

بدیهای ما را بپوشان و با نیکوکاران ما را بمیران.» در اینجا به وسیله ایمان به خداوند متوسل شده است تا از گناهان او درگذرد بدیهای او را بزداید و با نیکوکاران او را بمیراند.

نوع چهارم: به واسطه عمل صالح برای رسیدن به خداوند متوسل شده است چنانکه در آن حکایت سه نفری که برای گذراندن شبی به غاری پناه بردند، دهنه غار به واسطه سنگ بزرگی بسته شده طوری که خروج از آن برایشان ناممکن گردید. هرکدام از آنها به عمل صالحی که انجام داده بودند توسل نمودند. یکی از آنها به خوبی اش در حق پدر و مادر، دومی به عفت و پاکی که در زندگی اش تحقق یافته و سومی به پرداخت کامل حق کارگرش توسل می نمایند و هرکدام از آنها اظهار می دارند پروردگارا اگر من این کار را فقط به خاطر تو کرده ام در این وضعیتی که ما هستیم گشایش و فرحی را برایمان محقق بدار. سنگ بزرگ تکان خورده و از گرفتاری نجات می یابند. این مورد نمونه ای از توسل به خداوند متعال به واسطه عمل صالح می باشد.

نوع پنجم: انسان به واسطه بیان حال خویش به خداوند متعال توسل می کند و احتیاجات خویش را بیان می دارد. از آن جمله سخن موسی _صلی الله علیه و سلم_ می باشد چنانکه آمده: «رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ» (قصص 24) «پروردگارا برآستی که من برای آنچه بسویم فرستاده ای محتاجم.» به واسطه بیان حالش به خداوند متوسل می شود و نزدیک به همین معنی سخن زکریا _علیه الصلاة والسلام_ می باشد که قرآن بازگو می نماید:

﴿ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا ﴾ (مریم 4) «پروردگارا استخوانهایم سست شده و موهایم سفید گشته اند و هرگز از دعای تو ناامید نبوده ام.»

نوع ششم: متوسل شدن به دعای مرد صالحی است که امید به قبولی دعایش باشد. اصحاب _ رضی الله عنهم _ از رسول الله _ صلی الله علیه و سلم _ به صورت عام و به صورت خصوصی درخواست دعا کرده اند و برای رسیدن به خواسته خویش به دعای پیامبر _ صلی الله علیه و سلم _ نزد خداوند متوسل می شدند. در صحیحین از انس بن مالک _ رضی الله عنه _ روایت است در روز جمعه ای هنگام ایراد خطبه توسط رسول الله _ صلی الله علیه و سلم _ مردی وارد مسجد شد و گفت: ای رسول خدا _ صلی الله علیه و سلم _ مالها نابود و راهها بسته شدند از خداوند بخواه که بارانی بباراند. رسول الله _ صلی الله علیه و سلم _ دو دستش را بالا برد و گفت: «اللهم اغثنا» (پروردگارا برایمان باران بباران) و این دعا را سه بار تکرار فرمودند. هنوز از منبر پایین نیامده بود، آنقدر بارید که باران ریش پیامبر _ صلی الله علیه و سلم _ را خیس کرده بود و یک هفته کامل باران بارید. در جمعه دیگر همان نفر یا نفری دیگر در حالیکه رسول الله _ صلی الله علیه و سلم _ خطبه می خواند آمد و گفت: ای رسول خدا _ صلی الله علیه و سلم _ مالها غرق شدند و ساختمانها ویران، از پروردگار بخواه که باران را باز دارد، آنگاه رسول الله _ صلی الله علیه و سلم _ دو دستش را بالا برد و فرمود: «اللهم حوالینا و لعلینا» (پروردگارا آن

را بر ما بباران اما بر علیه ما قرار مده.) به هر طرف از آسمان که رسول الله _ صلی الله علیه و سلم _ اشاره می نمودند ابرها پراکنده می شدند چنانکه مردم از مسجد خارج شدند در حالیکه هوا کاملاً آفتابی بود. و وقایع متعددی وجود دارند که در آنها بصورت خاص اصحاب از رسول الله _ صلی الله علیه و سلم _ درخواست دعا نموده اند از آن جمله موردی است که در آن رسول الله _ صلی الله علیه و سلم _ می فرماید: هفتاد هزار نفر از امت من بدون حساب و کتاب وارد بهشت می شوند و بعد در موردشان می فرماید که آنها: «لَا يَسْتَرْقُونَ وَلَا يَتَطَيَّرُونَ وَلَا يَكْتُمُونَ وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (متفق علیه) (درخواست رقیه نمی کنند و فال بد نمی زنند و از داغ کردن پرهیز می نمایند و تنها بر خدا توکل می کنند.) { اینها به معنی پرهیز از اسباب نیستند بلکه اخلاص در توکل بر خدا را مد نظر دارد. مترجم { عکاشه بن محصن بعد از شنیدن آن برمی خیزد و می گوید: ای رسول خدا برایم درخواست کن که خداوند مرا از جمله آن افراد قرار دهد. آنگاه رسول الله _ صلی الله علیه و سلم _ فرمودند: تو از آنها هستی. این نوع توسل نیز جایز است که نفری از فردی که امید قبولی دعایش هست درخواست کند که از خداوند برایش درخواست رفع حاجت نماید و چیزی که در اینجا هست این مورد است که درخواست کننده باید قصدش از اینکار نفع رسانی به خود و به برادرش که برای او دعا می کند، باشد تا با این کار در حق او احسان کند چون هرگاه انسانی در نبود فردی برایش دعا کند ملائکه برایش آمین می گویند و دعا می کنند که مثل آن نیز برای تو باشد و او نیز به واسطه این دعا از جمله نیکوکاران خواهد شد و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

قسمت دوم از انواع توسل، صحیح نیست و آن این است که انسان به چیزی که وسیله نیست متوسل شود یعنی چیزی که در شریعت به عنوان وسیله قرار داده نشده است. بنابراین توسل کردن به چنین وسایلی لغو، بیهوده، باطل و خلاف شرع و عقل می باشد، از آن جمله این است که نفری به دعای یک شخص مرده متوسل شود چنانکه از مرده ای بخواهد برایش دعا کند، این کار یک وسیله شرعی نیست بلکه نشانه سفاقت یک انسان است اگر از مرده ای بخواهد که برایش دعا کند چون کسی که مُرد عملش تمام می گردد برای هیچ فردی ممکن نیست هرگاه مُرد برای دیگری دعا کند حتی برای پیامبر _ صلی الله علیه و سلم _ اینکار مقدور نمی باشد به همین خاطر اصحاب _ رضی الله عنهم _ بعد از مرگ به دعای پیامبر _ صلی الله علیه و سلم _ متوسل نشده اند. در زمان عمر _ رضی الله عنه _ هنگامی که مردم دچار خشکسالی شدند، گفت: «اللَّهُمَّ إِنَّا كُنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّنَا فَتَسْقِينَا وَإِنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِعَمِّ نَبِيِّنَا فَاسْقِنَا قَالَ فَيَسْقُونَ» (رواه بخاری) (پروردگارا ما هرگاه دچار خشکسالی می شدیم به پیامبر _ صلی الله علیه و سلم _ متوسل می شدیم و تو برایمان باران می فرستادی و حال به عموی پیامبر _ صلی الله علیه و سلم _ توسل می جویم برایمان باران بفرست) آنگاه عباس _ رضی الله عنه _ برخاست و از خداوند درخواست نمود. در صورتی که اگر دعا کردن از مرده جائز و وسیله ای صحیح بود، عمر و کسانی که از اصحاب با او بودند آن را از رسول خدا درخواست می کردند چون قبولی دعای رسول الله _ صلی الله علیه و سلم _ نسبت به دعای عباس _ رضی الله عنه _ به اجابت نزدیکتر می باشد. بنابراین توسل به خداوند به واسطه

درخواست از دعای مرده توسل باطلی است و حلال و جایز نمی باشد.

از جمله توسلی که صحیح نمی باشد توسل کردن به جاه و مقام رسول الله -صلی الله علیه و سلم- می باشد چون جاه و مقام رسول الله -صلی الله علیه و سلم- به نسبت کسی که درخواست دعا دارد مفید نیست فقط نفع آن برای خود رسول الله -صلی الله علیه و سلم- می باشد و چیزی هم که برای فردی مفید نباشد نمی تواند به آن توسل نماید و چنانکه گذشت توسل، به دست گرفتن وسیله ای است که برای درخواست کننده سودمند باشد و از اینکه رسول الله -صلی الله علیه و سلم- دارای جاه و مقام است چه فایده ای برای تو درخواست کننده وجود دارد؟ لذا هرگاه خواستید توسل نمایید به صورت صحیح و مشروع به خداوند توسل جویید و بگویید: خداوندا به واسطه ایمانی که به تو و رسولت دارم یا به خاطر محبتی که به رسول الله -صلی الله علیه و سلم- دارم به تو متوسل می شوم. امثال این نوع دعاها، صحیح و سودمند می باشند.

در جواب سؤالی که در مورد توسل و اقسام آن سؤال شده می فرمایید:

توسل در درخواست و دعا کردن از خداوند متعال بدینگونه است که دعا کننده چیزی را مقارن دعا و همزمان با آن بکار می گیرد که سبب قبولی دعایش گردد لذا لازم است دلیلی داشته باشد که وسیله به کار گرفته توسط او باعث قبولی دعایش شود و این امر نیز تنها از راه شرعی معلوم می گردد بنابراین هرکس چیزی را بدون هیچ دلیل شرعی وسیله قبولی دعایش قرار دهد چیزی که ندانسته به

خداوند نسبت داده است. چون ایشان از کجا دانسته آنچه را که او وسیله قرار داده از جمله اسبابی است که موجب رضای پروردگار می باشد و باعث قبولی دعایش می گردد؟ دعا کردن عبادت، و عبادت نیز متوقف بر دستور شرع است و خداوند متعال کسانی را که بدون اجازه او تشریع می کنند را انکار نموده و کارشان را شرک نامیده است و می فرماید: ﴿أَمْ لَهُمْ شُرَكَتَؤُا شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ﴾ «آیا آنها شرکائی دارند که دین را برایشان تشریع می نمایند چیزی که خداوند اجازه آن را نداده

است.» (شوری 21) و می فرماید: ﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَيْبِنَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا ۚ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ سُبْحَنَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ «عالمان و زاهدان خویش و مسیح بن مریم را به غیر از خداوند برای خویش تبدیل به ارباب کردند در حالیکه به آنها دستور داده نشده بود که جز الله که معبود یگانه می باشد را برگزینند. خداوند از آنچه نسبت به او شریک قرار می دهند پاک و منزّه است.» (توبه 31)

س: حکم توسل نمودن به پیامبر -صلی الله علیه و سلم- چیست؟

ج: توسل به پیامبر -صلی الله علیه و سلم- دارای اقسامی می باشد:

– اول اینکه ایمان آوردن به رسول الله -صلی الله علیه و سلم- را وسیله درخواست خود قرار دهد چنانکه در دعایش بگوید: پروردگارا به تو و رسولت ایمان آوردم، مرا ببخش. این نوع توسل صحیح است و

اشکالی ندارد و چنانکه خداوند متعال آن را در قرآن بیان داشته است: ﴿رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا ۚ رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ﴾ (آل عمران 193) «پروردگارا همانا ما ندای منادی که به ایمان دعوت می کرد را شنیدیم که می گفت به پروردگار خود ایمان آورید. پس ایمان آوردیم. خداوندا از گناهان ما درگذر و بدیهای ما را ببوشان و با نیکوکاران ما را بمیران.» چون ایمان به رسول الله -صلی الله علیه و سلم- یک وسیله شرعی برای بخشش گناه و گذشت از خطاهاست لذا کسی که به آن متوسل شود به یک وسیله ثابت و محقق شرعی توسل نموده است.

– دوم اینکه کسی که به دعای رسول الله -صلی الله علیه و سلم- متوسل شود یا رسول الله -صلی الله علیه و سلم- برای کسی که از او درخواست شفاعت نموده، دعا کند این مورد نیز صحیح می باشد اما تنها در زمان حیات رسول الله -صلی الله علیه و سلم- مقدور و ممکن است و بعد از مرگش اینکار ناممکن و غیر صحیح است. چنانکه از عمر -رضی الله عنه- در زمان خشکسالی ثابت است که برای باریدن باران گفت: [اللَّهُمَّ إِنَّا كُنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّنَا فَتَسْقِينَا وَإِنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِعَمِّ نَبِيِّنَا فَاسْقِنَا قَالَ فَيَسْقُونَ] (رواه بخاری) (پروردگارا ما هرگاه دچار خشکسالی می شدیم به پیامبر -صلی الله علیه و سلم- متوسل می شدیم و تو برایمان باران می فرستادی و حال به عموی پیامبر -صلی الله علیه و سلم- توسل

می گوئیم برایمان باران بفرست) آنگاه به عباس - رضی الله عنه - دستور می دهد که برخیزد و دعا کند. بنابراین در زمان حیات رسول خدا توسل کردن به دعای ایشان صحیح و فاقد هرگونه اشکالی است.

- سوم اینکه به جاه و منزلت رسول الله - صلی الله علیه و سلم - توسل شود. اینکار چه در زمان حیات یا بعد از مرگ رسول الله - صلی الله علیه و سلم - اگر واقع شود نادرست و غیر صحیح می باشد و این توسل بدعت است و جایز نیست چون جاه و منزلت رسول الله - صلی الله علیه و سلم - فقط برای خودش نافع و سودمند است بنابراین برای هیچ کس درست نیست که بگوید و دعا کند که بار الها من به واسطه جاه و منزلت و مقام پیامبرت به تو متوسل می شوم که مرا ببخش یا روزی بده. چون باید به چیزی توسل جست که در حقیقت وسیله باشد و وسیله برگرفته شده از (الوسل) می باشد که معنی آن رساندن به یک چیز است. بنابراین چیزی که به آن توسل می شود باید انسان را به مقصود برساند که در غیر این صورت توسل به آن سودمند نیست لذا می گوئیم توسل به رسول خدا سه قسمت دارد:

۱. ایمان آوردن به رسول الله - صلی الله علیه و سلم - و پیروی کردنش وسیله قرار گیرد. این کار در زمان حیات یا ممات رسول الله - صلی الله علیه و سلم - اگر صورت گیرد جایز و صحیح است.
۲. توسل کردن به دعای رسول الله - صلی الله علیه و سلم - بدین صورت که برای درخواست کننده

درخواست نماید این کار جایز است ولی تنها در زمانی که رسول الله - صلی الله علیه و سلم - زنده بودند چون بعد از مرگش امکان دعای رسول مقدور نیست تا بشود به آن توسل نمود.

۳. به جاه و منزلت رسول الله - صلی الله علیه و سلم - توسل شود اینکار در زمان حیات و مرگش صحیح نیست و نادرست است چون آن وسیله شرعی برای رسیدن به مقصود نیست بنابراین هرگاه گوینده اظهار دارد من نزد قبر رسول خدا رفتم و از او خواستم برایم درخواست مغفرت نماید یا از او درخواست شفاعت برای خویش نزد خدا کند این کار نادرست بوده و جایز نیست.

اگر گفته شود مگر خداوند نفرموده است: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾ (نساء 64) «اگر به خود ظلم کردند و پیش تو آمدند چنانکه از خداوند طلب بخشش نمایند و رسول خدا نیز برایشان طلب بخشش کند خداوند را توبه پذیر و مهربان خواهند یافت.» خواهیم گفت: بلی خداوند این را فرموده است اما گفته «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا» و «إِذْ» ظرف برای گذشته است و ظرف برای زمان آینده نیست. خداوند نفرموده «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا» بلکه «إِذْ ظَلَمُوا» فرموده است.

بنابراین آیه از امری سخن می گوید در زمان حیات رسول الله - صلی الله علیه و سلم - واقع گشته است و طلب بخشش رسول الله - صلی الله علیه و سلم - بعد از مرگش امری است که در انجامش معذور می باشد چون هرگاه انسان مُرد عملش تنها از سه راه مقدور می باشد

همانگونه که رسول الله - صلی الله علیه و سلم - می فرماید: صدقه جاریه، علمی سودمند و فرزند صالحی که برایش دعا کند سه راه جهت ادامه عمل شخص است که از دنیا رفته است. بنابراین انسان بعد از مرگش ممکن نیست برای کسی طلب بخشش نماید و حتی قادر به انجام آن برای خودش نیز نمی باشد چون عملش منقطع گردیده است.

س: و توسل به صالحین چه حکمی دارد؟

ج: توسل کردن جزو اعتقادات است چون کسی که توسل می نماید معتقد است وسیله ای که به آن توسل بسته در حاصل شدن مقصود و مطلوب و دفع گرفتاریهایش مؤثر است بنابراین در مفهوم اعتقاد داخل است چون انسان به هر چیزی متوسل شود معتقد است که آن وسیله در آنچه می خواهد تأثیر گذار است.

توسل کردن به صالحین نیز دارای دو قسم است:

❁ توسل کردن به دعای آنها که این مورد اشکالی ندارد چنانکه اصحاب - رضی الله عنهم - به دعای رسول الله - صلی الله علیه و سلم - متوسل می شدند و عمر - رضی الله عنه - برای طلب باران به دعای عباس متوسل شد.

❁ توسل کردن به ذات اولیاء خلاف شرع است. از جهتی بدعت و از جهتی دیگر نوعی شرک است. بدعت است چون در زمان رسول الله - صلی الله علیه و سلم - و اصحاب - رضی الله عنهم - شناخته شده و معروف نبوده است. شرک است چون هر امری یک سبب شرعی نباشد و کسی آن را سبب بداند دچار نوعی شرک شده

است زیرا معتقد به چیزی شده که خداوند آن را سبب قرار نداده است. لذا توسل به ذات پیامبر _صلی الله علیه و سلم_ صحیح نیست چنانکه کسی بگوید: به واسطه پیامبرت از تو می خواهم مگر اینکه ایمان به رسول خدا و محبتش مدنظر باشد که این امر جزو دین خدا و برای انسان سودمند است ولی ذات پیامبر _صلی الله علیه و سلم_ وسیله ای سودمند و نافع برای انسان در دعا کردن نیست و همچنین قول راجح در توسل به جاه و مقام نیز همین است چون جاه و مقام رسول خدا تنها برای خود رسول الله _صلی الله علیه و سلم_ سودمند است زیرا جزو مقامات و اعمال سودمند اوست و توسل کردن به جاه رسول در قول راجح علما حرام است لذا نباید هیچ کس در دعایش از خداوند بخواهد که به خاطر جاه و مقام پیامبر او را ببخشد یا هر دعای دیگری که به آن شبیه است چون وسیله تنها زمانیکه تأثیری در حصول نتیجه و مقصود داشته باشد می تواند وسیله باشد و جاه نبی به نسبت شخص دعا کننده تأثیری در حصول مقصودش ندارد بنابراین نباید به عنوان یک سبب به آن نگریست و جاه نبی تنها اختصاص به خود پیامبر _صلی الله علیه و سلم_ دارد بلکه ما تنها ایمان آوردن به رسول الله _صلی الله علیه و سلم_ را می توانیم وسیله قرار دهیم و به جای توسل به جاه نبی توسل به ایمان به او و پیروی کردنش را قرار دهیم و از جمله نعمتهای پروردگار این است که هرگاه یک دروازه بر روی انسان می بندد، دروازه های بسیاری را بر روی او باز می نماید. الحمد لله رب العالمین.

۱۱: از حدیثی سؤال شده که در آن آمده: کوری به نزد پیامبر _صلی الله علیه و سلم_ می آید و از او می خواهد که ای رسول الله _صلی الله علیه و سلم_ از خداوند بخواه که بینایی را به من برگرداند. رسول الله _صلی الله علیه و سلم_ در آغاز می فرماید که از این درخواست صرفه نظر کند بعد نایبنا اظهار می دارد: ای رسول خدا نایبانی بر من بسیار سخت است. آنگاه می فرماید: پس برو وضو بگیر سپس دو رکعت نماز بخوان و آنگاه بگو: **اللهم إني أسألك وأتوجه إليك بنبينا محمد، صلى الله عليه وسلم، نبي الرحمة يا محمد إني أتوجه بك إلى ربي فيقضي حاجتي** (پروردگارا من به واسطه محمد _صلی الله علیه و سلم_ که پیامبر ماست از تو می خواهم و به تو روی می آورم. ای محمد من به واسطه تو به پروردگار روی می آورم تا حاجت و نیازم را برآورده کند.) آیا این حدیث صحیح است؟

ج: اهل علم در مورد صحت و درستی این حدیث اختلاف دارند. دسته ای می گویند: این حدیث ضعیف است و بعضی آن را حسن می دانند اما در حدیث صورتی موجود است که همانگونه لفظ آن به ذهن خطور می کند نمی باشد. معنی حدیث این است که رسول الله _صلی الله علیه و سلم_ به آن مرد نایبنا دستور می دهد که وضو بگیرد و دو رکعت نماز بخواند تا در درخواست شفاعت پیامبر _صلی الله علیه و سلم_ برای خود صداقتش را نشان دهد و آنگاه که به وسیله وضو گرفتن و نماز خواندن رغبت و علاقه خویش را در توسل به پیامبر _صلی الله علیه و سلم_ و توجه کردن به او برای درخواست از خدا ثابت می نماید آنگاه رسول الله _صلی الله علیه و سلم_ برای او از خداوند شفاعت می

نماید بدینصورت که پیامبر برای او دعا می کند چون دعا همانگونه که در حدیث صحیح ثابت است نوعی شفاعت است چنانکه می فرماید: «**مَا مِنْ رَجُلٍ مُسْلِمٍ يَمُوتُ فَيَقُومُ عَلَى جَنَازَتِهِ أَرْبَعُونَ رَجُلًا لَا يُشْرِكُونَ بِاللَّهِ شَيْئًا إِلَّا شَفَعَهُمُ اللَّهُ فِيهِ**» (رواه مسلم) (هرگاه مسلمانی بمیرد و بر جنازه اش چهل نفر نماز بخوانند که برای خداوند شریک قرار نداده باشند خداوند شفاعت آنها را در حق آن میت می پذیرد.) بنابراین معنی حدیث این خواهد شد که آن مرد نایبنا از پیامبر _صلی الله علیه و سلم_ می خواهد برایش از خداوند دعا کند چون این دعا نوعی شفاعت است. اما هم اکنون و بعد از مرگ پیامبر _صلی الله علیه و سلم_ مثل چنین حالتی مقدور و ممکن نیست چون پیامبر _صلی الله علیه و سلم_ از دعا کردن برای دیگران بعد از مرگ معذور است چنانکه خودش می فرماید: «**إِذَا مَاتَ ابْنُ آدَمَ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ صَدَقَةٌ جَارِيَةٌ أَوْ عِلْمٌ يُنْتَفَعُ بِهِ أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ**» (رواه مسلم) (هرگاه یکی از فرزندان آدم بمیرد اعمالش جز از سه طریق قطع می گردد که عبارتند از: صدقه جاریه، علمی که مورد استفاده قرار می گیرد و فرزند صالحی که برایش دعا می کند.) دعا کردن بدون شک از جمله اعمالی است که با مردن قطع می گردد و همانگونه که خداوند می فرماید، عبادت است: «**وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ**» (غافر 60) «و پروردگار شما می گوید: مرا دعا کنید قبول می کنم. براستی کسانی که از عبادت من تکبر ورزند آنها را با خواری و پستی به جهنم وارد می نمایم.» با توجه به همین معنی اصحاب _رضی الله عنهم_ در هنگام

شدائد و گرفتاریها و احتیاج به رسول الله _صلی الله علیه و سلم_ پناه نمی بردند تا برایشان از خداوند درخواست دعا نماید بلکه عمر بن خطاب _رضی الله عنه_ در هنگام خشکسالی گفت: پروردگارا ما به واسطه پیامبران به تو متوسل می شدیم و تو هم بر ما باران می فرستادی و حال به واسطه عموی پیامبران به تو توسل می جویم پس بر ما باران بفرست و بعد از این گفته از عباس _رضی الله عنه_ می خواهد که از خداوند درخواست باران نماید و بعد از دعای عباس _رضی الله عنه_ باران بارید. و این می رساند بعد از مرگ رسول الله _صلی الله علیه و سلم_ امکان درخواست از او وجود ندارد تا از او بخواهیم در حق کسی دعا کند چون این کار ممکن نیست به دلیل اینکه با مرگش عملش پایان یافته است و وقتی بعد از مرگ، امکان درخواست چنین اموری از رسول الله _صلی الله علیه و سلم_ وجود ندارد به طریق اولی ناممکن است که نفری از خود رسول الله _صلی الله علیه و سلم_ برطرف کردن احتیاجات خویش یا انجام مصالحی را خواهان باشد چون اینکار از جمله شرک اکبر است که هرگز خداوند صاحبش را نمی بخشد و هرکس به آن متصف باشد خداوند بهشت را بر او حرام می گرداند و می فرماید: «وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَاً مِنَ الظَّالِمِينَ» (یونس 106) «از غیر خداوند که قادر به نفع و ضرر تو نیست درخواست مکن که اگر چنین کاری را انجام دهی آنگاه تو از جمله ظالمان خواهی شد.» و می فرماید: «فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ

الْمُعَذِّبِينَ» (شعراء 213) «با خداوند معبود دیگری را بخوانید که از جمله عذاب شدگان خواهید شد.» و می فرماید: «وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ» (مؤمنون 117) «هرکس همراه خداوند از اله و معبود دیگری درخواست کند برایش دلیل و برهانی نیست، حساب او با خداست و به درستی که خداوند کافران را هرگز رستگار نمی کند.» و می فرماید: «إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ» «إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ» (مائده 72) «هرکس برای خداوند شریک قرار دهد خداوند بهشت را بر او حرام می گرداند و جایگاهش را در آتش قرار می دهد که برای ظالمان یاری دهنده ای نیست.»

مهم این است که هرکس بعد از وفات از رسول الله _صلی الله علیه و سلم_ یا یک نفر دیگر از کسانی که مرده اند دفع ضرر یا جلب منفعتی را درخواست نماید دچار شرکی خواهد شد که او را از دایره ایمان خارج می گرداند و بر او واجب است که توبه کند و به سوی خداوند برگردد و دعا را مخصوص پروردگار متعال قرار دهد که دعا و درخواست درمندگان را هنگامی که از او می خواهند اجابت می کند و نارحتی و گرفتاریها را از آنها دور می گرداند و من از کسانی که پیش قبر فلان و فلان می روند و از آنها می خواهند که گرفتاریها را از آنها دور و خیرات را نصیب آنها گردانند تعجب می کنم چون آنها می دانند که صاحبان این

گورها در حال حیات مالک و قادر بر چنین کارهایی نبوده اند حال چگونه بعد از مرگشان وقتی که تنها لاشه ای بیش نیستند چنین امری از آنها مقدور است و چه بسا گاه پوسیده شده و آثارشان در خاک جذب گردیده است. پیش آنها رفته و از آنها درخواست می کنند و دعا و درخواست از خداوند متعال را رها کرده همان کسی که تنها او برطرف کننده گرفتاریها و مالک نفع و خیرات می باشد مخصوصاً اینکه خداوند متعال آنها را نیز به درخواست از خویش دعوت و نسبت به آن ترغیب و تشویق نموده است چنانکه می فرماید: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» (غافر 60) «و پروردگار شما می گوید: مرا دعا کنید قبول می کنم. براستی کسانی که از عبادت من تکبر ورزند آنها را با خواری و پستی به جهنم وارد می نمایم.» و می فرماید: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ» (بقره 186) «هرگاه بندگان من از تو در مورد من سؤال کردند من نزدیکم و دعوت و درخواست آنان را هرگاه من را بخوانند می پذیرم.» خداوند متعال کسانی را که از غیر او درخواست و دعا دارند را انکار می نماید و می فرماید: «أَمِنْ تَحِيْبِ الْمُضْطَرِّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ وَعِيْدٌ» (نمل 62) «آیا کسی هست درماتده را هنگامی که او را می خواند جواب دهد و گرفتاری را از او رفع نماید و شما را جانشین در زمین قرار دهد؟ آیا همراه خداوند معبود به

حقی وجود دارد؟» از خداوند متعال خواهانم همگی ما را به راه مستقیم هدایت فرماید.

لن: در مورد حدیث انس بن مالک _ رضی الله عنه _ که در آن از عمر _ رضی الله عنه _ روایت می نماید که به هنگام خشکسالی به عباس بن عبدالمطلب _ رضی الله عنه _ متوسل می شود، سؤال شد که آیا این حدیث صحیح است و آیا این حدیث بر جواز توسل به جاه و مقام اولیاء دلالت می نماید؟

ج: حدیثی که سؤال کننده از آن می پرسد حدیث صحیحی است که بخاری آن را در صحیح خود آورده است اما برای کسی که در آن تأمل کند در می یابد که این حدیث بر عدم توسل به جاه و منزلت پیامبر _ صلی الله علیه و سلم _ و دیگران دلالت می نماید چون توسل به معنی اتخاذ وسیله است و وسیله هم چیزی است که رساننده به مقصود باشد و وسیله ای که در حدیث مذکور از آن ذکر شده است: **«نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّنَا فَتَسْقِينَا وَإِنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِعَمِّ نَبِيِّنَا فَاسْقِنَا»** (ما به واسطه پیامبر _ صلی الله علیه و سلم _ به تو متوسل می شدیم و تو برایمان باران می فرستادی و حال به واسطه عموی پیامبر _ صلی الله علیه و سلم _ به تو توسل می جویم.) (رواه بخاری) منظور توسل به دعای پیامبر _ صلی الله علیه و سلم _ است همانگونه که آن مرد گفت: **«يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلَكْتُ الْآمَوالُ وَانْقَطَعَتْ السَّبَلُ فَادْعُ اللَّهَ بَعِيَّتُنَا»** (ای رسول خدا اموال نابود و راهها بسته شد از خداوند بخواه که برایمان باران بفرستد.) متفق علیه

به همین خاطر در این مورد نیز عمر _ رضی الله عنه _ به عباس _ رضی الله عنه _ گفت: ای عباس برخیز و از خداوند بخواه و او نیز دعا کرد. اگر این مورد توسل به جاه بود عمر _ رضی الله عنه _ می بایست به جاه و منزلت پیامبر _ صلی الله علیه و سلم _ قبل از عباس _ رضی الله عنه _ توسل نماید چون جاه و منزلت پیامبر _ صلی الله علیه و سلم _ نزد خداوند عظیمتر از جاه و منزلت عباس _ رضی الله عنه _ و یا دیگران می باشد لذا برای عمر شایسته بود که به جای عباس به جاه و منزلت پیامبر _ صلی الله علیه و سلم _ توسل جوید. در نتیجه توسل نمودن به دعای کسی که امید به اجابت دعایش موجود است اشکالی ندارد و چنانکه اصحاب _ رضی الله عنهم _ به واسطه دعای پیامبر _ صلی الله علیه و سلم _ به خداوند متوسل می شدند و به همین صورت نیز عمر _ رضی الله عنه _ متوسل به دعای عباس نزد خداوند شد لذا هرگاه مردی را دیدی که صالح مستجاب الدعوه است به خاطر اینکه طعام و شراب و لباس و مسکنش حلال است و به عبادت و تقوی معروف و مشهور است اشکالی ندارد اگر از او درخواست کنی که برای آنچه می پسندید از خداوند درخواست دعا کند و شرط آن هم این است که این درخواست موجب غرور برای شخصی که از او درخواست می شود نگردد و در صورت دادن هرگونه احتمال ممکن، جایز نیست که چنین درخواستی از او صورت گیرد چون اینکار موجب هلاکت اوست و برایش مضر است و همینطور می گویم: اینکار فقط جایز است ولی آن را نمی پسندم و نظرم این است که انسان فقط از خداوند بدون قرار دادن هرگونه واسطه ای درخواست نماید و اینکار امید به قبولی را فزونی می بخشد و به خوف و خشیت نیز

نزدیکتر است. همچنین دوست دارم در مورد هر انسانی هنگامی که از برادرش که امید به اجابت دعایش را دارد درخواست می کند قصد احسان و نیکی به او را داشته باشد چون اگر قصد فقط رفع احتیاج خویش باشد مثل درخواست کردن مال از دیگری و مانند آن مذموم است و اگر چنانچه قصد احسان برادرش را داشته باشد، احسان به دیگری همانگونه که معروف و شناخته شده می باشد موجب پاداش است و این مورد بهتر و نیکوتر هم می باشد. والله ولی التوفیق.

**و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین
وصلی الله علی محمد و آله و صحبه اجمعین
و الله یهدی من یشاء الی صراط المستقیم**

تألیف: محمد بن صالح العثیمین (رحمه الله)

منبع: (مجموع فتاوی و رسائل ابن عثیمین مجلد دوم)